



رهنمودهای حقوق کیفری ماهوی در قبال کودکان بزه دیده

پدیدآورده (ها) : عباچی، مریم

حقوق :: حقوقی دادگستری :: پاییز و زمستان 1384 - شماره 52 و 53
از 169 تا 204

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/484589>

دانلود شده توسط : غلامحسین رئیسی

تاریخ دانلود : 12/09/1393

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

رهنمودهای حقوق کیفری ماهوی در قبال کودکان بزه دیده

مریم عباچی *

چکیده:

ضرورت اتخاذ رویکرد افتراقی به حقوق کودکان در راستای اعمال سیاست‌های حمایتی برای آنان، مطابق با معیارهای بین‌المللی از یک سو، و آسیب‌پذیری آنان در برابر رفتارهای خشن و گسترش جرائم از سوی دیگر، قانون‌گذاران ملی را بر آن داشته است که در صدد اصلاح قوانین موجود برای کودکان بزه‌دیده، بر اساس واقعیت‌های اجتماعی، برآیند قوانین ویژه‌ای را که در بردارنده حقوق کیفری ماهوی و شکلی باشد تدوین کنند. مقاله حاضر ضمن پرداختن به رهنمودهای حقوق کیفری ماهوی درباره تعریف کودک بزه‌دیده، معیارهای مربوط به جرم‌انگاری حمایتی و فراهم کردن سازوکار جبران آثار ناشی از بزه‌دیدگی را بررسی می‌کند. این اصول و معیارها که توسط اسناد بین‌المللی تکلیف یا توصیه می‌شوند، در سطح ملی با توجه به نیازهای ویژه کودکان، قابل اعمال خواهند بود و از این رو، باید مورد توجه قانون‌گذاران داخلی نیز قرار گیرند.

واژگان کلیدی:

کودک، بزه‌دیده، بزه‌دیدگی کودک، سوء استفاده از کودک و سهل‌انگاری نسبت به او (کودک آزاری)، حقوق کیفری کودکان.

* کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی.

مقدمه:

حیات بشر همواره تحت تأثیر عوامل طبیعی و انسانی در معرض مخاطره بوده و در مقابل، بشر نیز برای حفظ حیات خود با اتخاذ تدابیر کاهنده خطر در مواجهه با این عوامل در صدد پاسداری اولین و مهم ترین حق خود، یعنی حق حیات برآمده و بدین ترتیب تبیین این حق را یکی از مؤلفه های مهم در راستای حفظ حقوق بنیادی خود بر شمرده است.

در گذشته دور، نگاه به حق حیات افراد متفاوت بود و این حق در قبال کودکان به جهت عدم قدرت، توانایی، استقلال و نیز به لحاظ آسیب پذیر بودن، مورد تعرض قرار می گرفت. با گسترش جوامع و قانونمند شدن آنها و به وجود آمدن دولت ها، به جهت ظلمی که به کودکان روا می شد، به تدریج قوانینی در این زمینه تدوین گردید و از این جهت حقوق انسانی کودک به عنوان موجودی مستقل و آسیب پذیر محترم انگاشته شد. اما به جهت تفکرات ناصحیح دیرینه در مورد کودکان که در فرهنگ جوامع رسوخ کرده و نسل به نسل منتقل شده بود، آنان همچنان مورد آزار و اذیت بزرگسالان قرار می گرفتند. تشبیه بدنی شدید کودکان هنوز رواج داشت و عدم توجه به نیازهای خاص آنها به ویژه رشد همه جانبه، باعث می شد که کودکان، قربانی رفتارهای خشن بزرگسالان شوند. با ایجاد نهادهای بین المللی، اعلامیه های حقوق کودک ۱۹۲۴ و ۱۹۵۹ و متعاقب آن کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ بسیاری از دولت ها به منظور اعتلای حقوق کودک با تصویب یا الحاق به این اسناد، خود را ملزم به رعایت مفاد آن کردند. اسناد بین المللی ناظر به کودکان، از یک سو آنان را افرادی مستقل و دارای ارزش و احترام بر شمرده و از سوی دیگر، به جهت آسیب پذیری کودکان، تکالیفی را جهت حمایت از آنان برای جامعه، به ویژه خانواده به وجود آورده است.

با گذشت سالیان زیاد از شکل‌گیری حقوق کودک، چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی، همچنان موارد زیادی از آزار و اذیت کودکان مشاهده می‌گردد. کودکان به سان شیء یا مال دیده می‌شوند و چون مستقل نبوده و وابسته به خانواده و جامعه‌اند، کرامت انسانی آنان پایمال می‌شود و همچنان آماج وسیع برخی از انواع جرائم می‌شوند. وانگهی، نوع جرائم علیه کودکان و شیوه‌های ارتکاب آن متنوع و متفاوت شده است، ضمن این که به علت عدم اعمال کنترل‌های رسمی بر خانواده، آزار و اذیت کودکان به صورت وسیعی در محیط خانه به وقوع می‌پیوندد.

سیاست‌گذاران داخلی به منظور مهار این پدیده، علاوه بر مداخله اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برای ارتقا سطح زندگی خانواده و جامعه، بر مداخله کیفری تأکید کرده و از این طریق، علاوه بر تعیین حدود و ثغور بزه‌دیدگی کودکان، جرائم و مجازات‌ها و پیش‌بینی ساز و کار جبران آثار ناشی از بزه‌دیدگی (در حقوق کیفری ماهوی)، به فرایند رسیدگی به جرائم علیه کودکان (در حقوق کیفری شکلی) نیز توجه ویژه می‌نمایند.

در نوشتار حاضر، رهنمودهای بین‌المللی حقوق کیفری ماهوی، شامل رهنمودهای عام و خاص، در مقایسه با قوانین و مقررات ایران ناظر به کودکان بزه‌دیده مورد بررسی قرار خواهند گرفت. با توجه به اینکه حقوق کیفری ماهوی به تعریف جرائم و تعیین مجازات آنها و بیان شرایط مسئولیت کیفری می‌پردازد. [۴:۲۳۳] مطالعه تطبیقی در این زمینه با توجه به امضا و تصویب کنوانسیون حقوق کودک توسط دولت جمهوری اسلامی ایران و اینکه به دلیل خلأهای موجود، قانون حمایت از کودکان در معرض خطر و بزه‌دیده توسط قوه قضائیه در حال تدوین است، ضروری به نظر می‌رسد.

گفتار اول: رهنمودهای عام

اسناد سازمان ملل متحد رهنمودهایی را در قبال کودکان بزه‌دیده، ارائه می‌دهد که جهت اعتلای حقوق کودک باید مورد توجه قانون‌گذاران داخلی قرار گیرد. در این گفتار، تعریف کودک^۱، ابعاد مختلف بزه‌دیدگی و اصول فراگیر ناظر بر حقوق کودک، تحت عنوان رهنمودهای عام حقوق کیفری ماهوی، با قوانین و مقررات ایران مقایسه خواهد شد.

الف) تعاریف

قانون‌گذار کیفری باید مطابق با معیارهای پذیرفته شده بین‌المللی، کودک، بزه‌دیده و انواع بزه‌دیدگی را تعریف کند. به این ترتیب، تابعان قوانین حمایتی کودکان، مشخص شده، دایره رفتارهای آسیب‌زا به کودکان نیز تعیین می‌شود. ۱- تعریف کودک: به طور کلی، کودک به فردی اطلاق می‌گردد که بالغ نشده باشد [۲۴: ۱]، همچنان که «از نظر حقوقی نیز کسی است که به رشد و نمو جسمی و روحی برای زندگی اجتماعی نرسیده است [۵: ۱۰]» همان‌گونه که برای کودکان بزه‌کار تعیین محدوده سنی جهت اعمال سیاست‌های افتراقی لازم است، در حوزه کودکان بزه‌دیده نیز این ضرورت، به منظور اعمال ساز و کارهای حمایتی-افتراقی، با توجه به ویژگی‌ها و خصوصیات جسمی و روحی کودکان وجود دارد.

اسناد بین‌المللی در خصوص تعیین سن کودک رهنمودهایی را برای دولت‌های عضو تکلیف یا توصیه می‌کنند. در این راستا، کنوانسیون حقوق کودک، فرد زیر هجده سال را کودک تلقی می‌کند^۲، هر چند که این تعریف را مطلق ندانسته و تعیین آن را به قانون‌گذاران ملی واگذار کرده و از این طریق،

1. child

2. Convention on the Rights of the Child, UN, Article 1.

حقوق داخلی دولت‌های عضو را محترم شمرده است، در حالی که در رهنمودهای سازمان ملل راجع به عدالت برای کودکان بزه‌دیده و شاهد جرم ... که ویژه کودکان بزه‌دیده است^۴ - محدود سنی کودک به طور مطلق و تا هجده سال تعیین شده است.

مطابق قوانین و مقررات ایران، کودک کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد^۵ و سن بلوغ به ترتیب برای دختران و پسران نه و پانزده سال تمام قمری تعیین شده است^۶. قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰، در مقام بیان برخی جرائم علیه کودکان، گاهی بدون اشاره به لفظ کودک یا طفل و بدون فرق در جنس کودک، محدود سنی خاصی را مشخص کرده و به این صورت کودک را مشمول سازوکارهای افتراقی - حمایتی از طریق تشدید مجازات قرار داده و در برخی جرائم از واژه طفل یا کودک استفاده کرده است^۷. ولی مطابق قانون حمایت از کودکان و نوجوانان سال ۱۳۸۱، افراد زیر هجده سال از حمایت‌های مندرج در قانون مذکور بهره‌مند می‌شوند^۸. بنابراین، قانون‌گذار بدون اینکه تعریفی از کودک در این قانون ارائه دهد، تنها شمول قانون را برای تابعان آن مشخص کرده است. بدین‌سان، در حقوق ایران، کودک بر اساس سن بلوغ تعریف شده، هر چند که در شرایطی افراد زیر

3. Guidelines on Justice in Matters Involving Child Victims and Witnesses of Crime, UN (Guidelines on Justice), Article 9 a.

۴. تبصره ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی: منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.
۵. تبصره ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی: سن بلوغ در دختران نه سال تمام قمری و در پسران پانزده سال تمام قمری می‌باشد.
۶. به عنوان مثال ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی که مربوط به آدم‌ربایی است افراد زیر سن پانزده سال را بدون قید دختر یا پسر بودن مشمول حمایت می‌داند و ماده ۶۱۹ همین قانون که در خصوص مزاحمت می‌باشد، از لفظ اطفال به صورت کلی استفاده کرده است.
۷. ماده ۱ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان سال ۱۳۸۱.

هجده سال از حمایت‌های ویژه قانونی بهره‌مند می‌شوند.

۲- تعریف بزه‌دیده: بزه‌دیده^۸ در معنای خاص آن به شخصی اطلاق می‌شود که بر اثر رفتاری که در قانون به عنوان جرم تلقی شده و قابل مجازات است، متحمل آسیب شود. این آسیب ممکن است جسمانی، روانی، عاطفی یا مالی باشد.^۹ در اسناد بین‌المللی ویژه کودکان، تعریفی از بزه‌دیده ارائه نشده است. اما اعلامیه سازمان ملل درباره اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت، بزه‌دیدگان را اشخاصی تعریف می‌کند که در اثر فعل یا ترک فعل‌هایی که ناقض قوانین کیفری دولت‌های عضو است، به طور فردی یا گروهی دچار آسیب جسمی، روانی، درد و رنج عاطفی، خسارت مالی و یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود شوند.^{۱۰}

به این ترتیب، علاوه بر «بزه‌دیده مستقیم»^{۱۱}، افراد درجه یک خانواده و وابستگان نزدیک وی، از حیث رابطه عاطفی و خانوادگی که با او دارند و برخی افراد دیگر به دلیل آسیب دیدن در اثر کمک‌رسانی به بزه‌دیده مستقیم، یا اعمال اقدامات پیش‌گیرانه می‌توانند به عنوان «بزه‌دیده غیر مستقیم»^{۱۲} تلقی شده

8. victim

۹. در معنای عام بزه‌دیده شخصی است که به جهت وضعیت و موقعیت خاص، متحمل پیامدهای دردآور و مشقت‌باری می‌شود که عواملی با ریشه‌های فیزیکی، روانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی طبیعی دارد. ر.ک: نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، مباحثی در علوم جنایی، جزوه درسی، تقریرات، سال ۱۳۸۵.

10. Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power (Declaration of Basic Principles of Justice), Paragraph I

در این تعریف، قوانین شامل آن دسته از قوانینی که سوء استفاده از قدرت را ممنوع اعلام کرده نیز می‌گردد.
۱۱. بزه‌دیده مستقیم یا نخستین شخصی است که آماج مستقیم رفتار مجرمانه قرار می‌گیرد و قربانی بی‌واسطه بزه‌کار شناخته می‌شود [۱۹۸: ۵].

۱۲. بزه‌دیده غیر مستقیم یا دومین یا همبسته کسی است که هر چند، جرم را به طور مستقیم تجربه نکرده، اما به واسطه ارتکاب جرم، متحمل آسیب یا درد و رنج غیر مستقیم شده است [۱۹۸: ۵].

تحت شرایط خاص، از حمایت‌های قانونی - اجرائی برخوردار شوند.^{۱۳}
مطابق قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد، ممنوع است. به این ترتیب قانون‌گذار بدون ارائه تعریف صریحی از بزه‌دیده، تنها به ذکر مصادیق آن اکتفا کرده است.^{۱۴}

۳- تعریف کودک بزه‌دیده^{۱۵}: کودکان بزه‌دیده از دو منظر قابل بررسی هستند. ابتدا، همان‌گونه که بزرگسالان قربانی جرم واقع می‌گردند، کودکان نیز با آسیب‌پذیری بیشتر، آماج جرائم عمدی و غیرعمدی قرار می‌گیرند. اما برخی از جرائم تنها علیه کودکان واقع می‌شوند. بنابراین، کودک بزه‌دیده باید در دو معنای عام و خاص تعریف شود.

۳-۱. تعریف کودک بزه‌دیده در معنای عام: با توجه به تعیین محدوده سنی کودک و نیز تعریف بزه‌دیده و دایره شمول آن، کودک بزه‌دیده در معنای عام «هر فرد زیر هجده سال است که بر اثر رفتار عمدی یا غیرعمدی که در قانون جرم است متحمل آسیب‌هایی از نوع جسمانی، روانی، عاطفی و یا مالی گردد.» این تعریف بازگوکننده زوایای مختلف بزه‌دیدگی کودک نیست، زیرا کودکان به این جهت که در طبقه‌بندی بزه‌دیدگان خاص قرار دارند و در بین آنان، آسیب‌پذیرترین گروه محسوب می‌شوند، نوع بزه‌دیدگی آنان نیز - در برخی از موارد - متفاوت بوده و به این دلیل، دایره جرم‌انگاری در جرائم علیه کودکان وسیع‌تر است. در پی تنوع گونه‌های بزه‌دیدگی کودکان نسبت به بزرگسالان، کودک بزه‌دیده در معنای خاص نیز باید تعریف شود.

13. Declaration of Basic Principles of Justice, Paragraph 2, 3, 4.

ر.ک: [۱۷۰-۱۶۶ و ۱۹-۱۵:۵].

۱۴. ماده ۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان سال ۱۳۸۱.

15. child victim

۲-۳. تعریف کودک بزه‌دیده در معنای خاص: کودکان به لحاظ دارا بودن ویژگی‌های خاص جسمی و روحی - نسبت به بزرگسالان - و اینکه در مرحله رشد و تکامل بوده نیازمند حمایت از سوی والدین، سرپرستان و مراقبین خود هستند، باید مورد حمایت ویژه قرار گیرند. به همین منظور، قانون‌گذار برخی رفتارها را که منجر به آسیب جسمانی، روانی، عاطفی و اخلاقی کودک می‌شود و یا وضعیت اجتماعی و رشد وی را به مخاطره می‌اندازد، تحت عنوان سوء استفاده از کودک^{۱۶} و بی‌توجهی^{۱۷} نسبت به وی یا همان کودک آزاری که غالباً توسط والدین، سرپرستان قانونی و یا کسانی که تربیت و نگهداری کودکان به آنها محول شده ارتکاب می‌یابد، جرم‌انگاری کرده و از این طریق کودکان را از حمایت‌های ویژه بهره‌مند می‌سازد.

سوء استفاده از کودک عبارت است از هر حالت یا رفتار (اعم از فعل یا ترک فعل) علیه کودک توسط والدین، سرپرستان قانونی و هر فردی که مسئولیت نگهداری و تربیت، آموزش و پرورش کودک را دارد که در پی آن صدمه و آسیب جسمانی، روانی، عاطفی به کودک وارد گردد یا موجب توقف رشد او شود. سوء استفاده از کودک به سوء استفاده جسمی، جنسی و عاطفی تقسیم می‌شود.

[۱۶: ۱، ۱۵: ۷۸، ۱: ۲۰، ۳: ۳۲، ۱۱: ۷]

بی‌توجهی عبارت است از کوتاهی و قصور والدین، سرپرستان قانونی و هر فردی که مسئولیت نگهداری، تربیت، آموزش و پرورش کودک را دارد و در تأمین نیازهای اساسی کودک، اصولاً تنها یک بار سهل‌انگاری و بی‌توجهی نسبت به کودک که آثار مخرب شدید را به دنبال نداشته باشد، به عنوان کودک آزاری محسوب نمی‌شود، اما تکرار آن قطعاً کودک آزاری است. بی‌توجهی و

16. child abuse

17. neglect

سهل انگاری باید موجب آسیب روانی، عاطفی، جسمی و یا بازماندن از تحصیل کودک گردد و بر همین اساس بی توجهی به سه دسته جسمی، عاطفی و تحصیلی تقسیم می شود. [۱:۲۰، ۳:۳۲، ۲:۶۱، ۱۱:۸، ۱۴:۳، ۱۵:۱۰۱، ۱۷:۷۲].
نوع و ماهیت ارتکاب این جرم که بیشتر با تکرار و استمرار همراه است، نحوه ارتباط کودک با مرتکب و از همه مهم تر، تبعات منفی این نوع جرم علیه کودک که موجب پدید آمدن آسیب های مخرب و پایدار در او می گردد، بزه دیدگی خاص کودک را به وجود می آورد.

در بزه دیدگی خاص کودکان، اصولاً جرائم غیر عمدی و مالی مستثنی هستند و بیشتر سوء رفتارهای عمدی و بی توجهی های غیر متعارف مورد توجه است. در شرایط خاص، سوء رفتار و بی توجهی هایی که صدمات کم و یا در برخی از مواقع نامشهود را در بردارد، تحت عنوان کودک آزاری قابل تعقیب است.
بنابراین کودک بزه دیده در معنای خاص « فرد زیر هجده سال است که از سوی والدین، سرپرستان قانونی و کسانی که به نوعی مسئولیت تربیت، نگهداری، آموزش و پرورش کودکان را دارند مورد سوء استفاده یا بی توجهی قرار گرفته و در پی آن تمامیت جسمی، روانی، اخلاقی و همچنین فرایند رشد وی مورد آسیب واقع شده است.

سند بین المللی رهنمودهای راجع به عدالت برای کودکان بزه دیده و شاهد جرم، کودکان و نوجوانان کمتر از هجده سال را که علیه آنها جرمی به وقوع پیوسته، صرف نظر از نقش آنان در ارتکاب جرم و یا تعقیب متهم و یا متهمان، بزه دیده تلقی کرده است.^{۱۸} در این تعریف، تفاوتی بین آن دسته از جرائم که مشترک بین کودکان و بزرگسالان است و دسته دیگر از جرائم که فقط علیه کودکان ارتکاب می یابد، دیده نمی شود. سند مذکور از جهت اینکه در حیطه

18. Guidelines on Justice, UN, Article 9a.

حقوق شکلی است، تمام کودکان بزه‌دیده را - چه در معنای عام و چه در معنای خاص - مشمول حمایت‌های پیش‌بینی شده در فرایند کیفری می‌داند.

در حقوق ایران با توجه به قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، منظور از کودک بزه‌دیده فردی است زیر هجده سال که علیه او جرمی به‌وقوع پیوسته است.^{۱۹} اما در قانون مذکور و سایر قوانین، عنصر مهمی که در بزه‌دیدگی ویژه کودکان باید مورد توجه قرار گیرد (یعنی، همان ارتباط عاطفی و نزدیک مرتکب با کودک) در شرایط خاص نادیده گرفته شده است. بنابراین طبق قانون مذکور، مادر، پدر و سرپرستان قانونی، حق تنبیه بدنی کودک را به شرط متعارف بودن، دارا هستند.^{۲۰} مسئله مهم در این زمینه عدم تعریف قانون‌گذار از اصطلاح «حد متعارف» است. با توجه به بافت فرهنگی ایران و تنوع قومیت و نژاد، حد متعارف تنبیه کودک از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت بوده و به این صورت احتمال آزار و اذیت کودک از سوی والدین بسیار زیاد است.

ب) اصول فراگیر

معیارهای بین‌المللی در خصوص اعمال اصول فراگیر برای کودکان بزه‌دیده، بر این نکته تأکید می‌ورزد که کودکان به عنوان افراد مستقل دارای حقوق ویژه هستند. جهت اتخاذ سیاست‌های حمایتی - افتراقی، ابتدا این اصول باید در حقوق کیفری ماهوی تبیین شوند. اصول فراگیر عبارت‌اند از توجه به عالی‌ترین منافع کودکان، عدم تبعیض و رعایت کرامت انسانی که در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱. توجه به عالی‌ترین منافع کودک^{۲۱}: توجه به عالی‌ترین منافع کودک، حق

۱۹. ماده ۱ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان سال ۱۳۸۱.

۲۰. در این زمینه ماده ۷ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان سال ۱۳۸۱، ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی و ماده

۱۱۷۹ قانون مدنی قابل توجه‌اند.

اوست^{۲۲}. تمامی اقدام‌هایی که از طریق مؤسسات و نهادهای رفاه اجتماعی – چه دولتی و چه غیر دولتی – مقامات اجرائی و نهادهای قانون‌گذاری اتخاذ می‌گردد، باید بر اساس توجه به این حق صورت گیرد. جهت تضمین این منافع، باید برنامه‌های رفاهی، حقوق و تکالیف والدین، سرپرستان قانونی یا سایر اشخاصی که به طور قانونی مسئولیت کودک را بر عهده دارند، مشخص شده و زمینه‌های اجرائی قانون نیز فراهم شود. همچنین تمام نهادهایی که به نوعی مسئولیت مراقبت، حمایت و نگهداری از کودک را دارند باید با معیارهای موجود هماهنگ و منطبق گردند^{۲۳}. در منافع عالی کودک دو موضوع مورد توجه است که عبارت‌اند از حمایت و رشد هماهنگ که مورد بررسی قرار خواهند گرفت^{۲۴}.

۱-۱ حمایت^{۲۵}: هر کودکی حق زندگی و بقا دارد و باید در برابر هرگونه سختی و آسیب، سوء استفاده یا بی‌توجهی از جمله سوء استفاده و بی‌توجهی جسمی، روانی، روحی و عاطفی – به ویژه وقتی این آسیب‌ها از سوی والدین، سرپرستان قانونی و مراقبان کودک وارد می‌شود – مورد حمایت قرار گیرد^{۲۶}. بنابراین، جهت بهبود وضعیت جسمانی و روانی و بازگشت دوباره کودک به جامعه، به خصوص وقتی که مورد سوء استفاده و بی‌توجهی، بهره‌کشی، آزار، شکنجه، یا سایر رفتارها یا تنبیه شدید و غیرانسانی یا

22. Guidelines on Justice, UN, Article 8c.

23. Convention on the Rights of the Child, UN, Article 12, 3.

۲۴. در این زمینه قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد با عنوان حقوق کودک مصوب ۲۰۰۵ قابل توجه می‌باشد. سند مذکور دارای سه بخش است و در بخش دوم آن که ناظر است به ارتقا و حمایت از حقوق کودکان توجه به عالی‌ترین منافع کودکان تاکید شده است.

Rights of the Child, Resolution Adopted by the General Assembly, 2005.

25. Protection.

26. Guidelines on Justice in Matters Involving Child Victims and Witnesses of Crime, UN, Article 8a.

درگیری مسلحانه قرار می‌گیرد، باید اقدام‌های مؤثر در محیطی که سلامت، عزت نفس و منزلت کودک تقویت شود، انجام پذیرد.^{۲۷}

در حقوق ایران، حق کودک برای بقا و زندگی به رسمیت شناخته شده و قانون‌گذار به منظور اعمال بهتر این حق، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان را به تصویب رسانده است. در قوانین و مقررات ایران که تا اندازه‌ای متأثر از شریعت اسلام است، حق بقا و زندگی کودک، حتی به دوران جنینی برمی‌گردد و جهت حمایت از حمل، قانون‌گذار سقط جنین را جرم و قابل مجازات دانسته است. این مجازات غالباً به صورت پرداخت دیه است.^{۲۸} در برخی موارد بقای جنین آن چنان واجد اهمیت است که تحت شرایطی^{۲۹} علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص، مرتکب حسب مورد به مجازات حبس نیز محکوم می‌گردد و به این ترتیب، این حق با سیاست تشدید کیفر، حمایت می‌شود.

در حالی که در خصوص سلب حیات فرزند توسط پدر یا جد پدری به موجب قانون، قصاص ساقط شده و قاتل تنها به پرداخت دیه و تعزیر محکوم می‌شود که در عمل نمی‌تواند حمایت مناسبی از حق حیات کودک به شمار آید، چرا که عدم تعادل میان کیفر پدر و جد پدری با دیگران، نوعی سیاست تخفیفی را در باره آنها جاری می‌کند که می‌تواند در خصوص حق حیات کودک در برابر این اشخاص نوعی بی‌مبالاتی را رقم بزند.^{۳۰} قانون‌گذار ایران، گاهی حق حیات را تا حدی محترم شمرده که کسی را که تحت شرایطی موجب سقط جنین شود

27. Convention on the Rights of the Child, UN, Article 39.

۲۸. ر.ک: مواد ۴۸۷ تا ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی.

۲۹. ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی: هر کس عالماً عمداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار دادن زن حامله، موجب سقط جنین وی شود علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.

۳۰. ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی: پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و به پرداخت

مستوجب قصاص می‌داند و گاه سلب حیات از کودک توسط پدر یا جد پدری را تنها مستوجب دیه و تعزیر دانسته، درحالی که از نظر معیارهای بین‌المللی جرم علیه کودک، توسط والدین یا سرپرستان و مراقبین وی مستوجب اشد مجازات است.

۲۰۱. رشد هماهنگ^{۳۱}: توجه به رشد همه جانبه کودک از حقوقی است که باید مورد توجه قرار گیرد. هر کودکی حق داشتن فرصت مناسب برای رشد هماهنگ و همچنین برخوردارگی از استانداردهای زندگی ای را که برای رشد جسمی، روانی، روحی و اجتماعی لازم است، دارد. اقدام‌های مؤثری در جهت توانمند ساختن کودکی که به نوعی مورد آسیب قرار گرفته جهت برخوردارگی از رشد سالم، باید اتخاذ گردد^{۳۲}. والدین یا حسب مورد سرپرستان قانونی، مسئولیت اصلی در پرورش و رشد کودک و نیز تامین امکانات مالی را بر عهده دارند. دولت‌ها برای اعمال این حق، باید به والدین و دیگر افرادی که به نوعی مسئولیت کودک را بر عهده دارند مساعدت کرده و گسترش تسهیلات و خدمات برای مراقبت از کودکان را تضمین نمایند^{۳۳}.

این اصل در حقوق ایران نیز مورد توجه بسیار قرار گرفته است. رشد کودک با چگونگی تربیت او رابطه نزدیکی دارد و توجه به معیارهای تربیتی مهم‌ترین ابزار جهت اعتلای رشد او می‌باشد. از آن جا که رشد کودک در

دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد. ر.ک: میزگرد حمایت کیفری از اطفال بزه‌دیده در نظام حقوقی ایران با حضور دکتر اردبیلی، دکتر نجفی ابرند آبادی، حضرت حجه الاسلام ایزدپناه، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۶، سال ۱۳۸۳.

31. Harmonious Development

32. Guidelines on Justice in Matters Involving Child Victims and Witnesses of Crime, UN, Article 8 c -2.

33. Convention on the Rights of the Child, UN, Article 18 - 1, 18 - 2, 27 - 1, 27 - 2, 27 - 3, 3, 5, 6.

وهله نخست^{۳۴} در خانواده صورت می‌گیرد و والدین و سرپرستان قانونی، مسئول فراهم ساختن زمینه‌های لازم جهت رشد کودک هستند، بنابراین توجه به نهاد خانواده از اهمیت بسزایی برخوردار است.^{۳۵} ولی از سوی دیگر، استفاده نادرست والدین از حقوقی که قانون به آنها داده است، می‌تواند مانعی برای رشد کودک باشد.^{۳۶} از جمله این موارد حق تنبیه کودک است که اگر در حد متعارف باشد مسئولیتی را برای والدین ایجاد نمی‌کند و عنوان مجرمانه نیز ندارد. هر چند که تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف موجب سلب حق حضانت والدین است.^{۳۷}

همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، نبود تعریف قانونی در خصوص متعارف بودن تنبیه، باب تفسیر قضائی را بر خلاف منافع کودک، گشوده است. و به این صورت سبب ایجاد مانع، در رشد همه جانبه کودک می‌شود. ازدواج کودکان، به ویژه دختران، زیر سن تعیین شده به رغم اجازه ولی آنان نیز می‌تواند مانعی

۳۴. وظیفه اصلی برای فراهم کردن زمینه‌های مساعد برای رشد و پیشرفت کودک برعهده والدین، سرپرستان قانونی و سایر افرادی است که مسئولیت نگهداری از کودک را دارند. این بدان معنا نیست که سایر هادای اجتماعی در این خصوص وظیفه‌ای نداشته باشند. در کنار خانواده، مدرسه، رسانه‌های گروهی و سایر نهادهای مرتبط با کودک، نقش مؤثری در رشد و پرورش کودک دارند که توسط اسناد بین‌المللی ناظر بر کودکان نیز تأکید شده است.

۳۵. در این زمینه مواد ذیل قابل توجه است:

ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی: نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبین است. ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی: ابوبین مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نیاید آنها را مهمل بگذارند.

۳۶. در این زمینه مواد ذیل قابل توجه است:

ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی: ابوبین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب، تنبیه نمایند. ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی: اعمال زیر جرم محسوب نمی‌شود: ۱- اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام شود مشروط به اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف تأدیب و محافظت باشد...

۳۷. ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی.

برای رشد کودک محسوب گردد. از آنجا که مصلحت، توسط ولی و با تشخیص دادگاه صالح مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، به این ترتیب امکان دارد با منافع واقعی کودک در تعارض قرار گرفته و رشد همه جانبه و هماهنگ او را تحت تأثیر قرار دهد.^{۳۸}

۲. توجه به کرامت انسانی^{۳۹}: احترام به شأن و منزلت کودک یکی از حقوق بنیادی اوست. هر کودک، انسانی منحصر به فرد - دارای شخصیت مستقل در حال رشد و تکامل - و ارزشمند محسوب می‌گردد و از این جهت کرامت انسانی، نیازهای خاص، منافع و حریم خصوصی او باید محترم شمرده و مورد حمایت قرار گیرد.^{۴۰} مطابق این اصل، در برخورد با کودکان باید شأن و منزلت آنها مورد توجه واقع گردد و به همین جهت که کودکان افراد مستقل از بزرگسالان هستند، باید نیازهای خاص آنان شناسایی شده، جهت رفع آن نیازها اقدام‌هایی صورت گیرد.

اصل توجه به کرامت انسانی، در مرحله مواجهه و برخورد با کودک در فرایند کیفری متبلور می‌شود، هر چند که حین وضع قانون کیفری ماهوی مربوط به کودک، این اصل باید مورد توجه قرار گیرد. بر اساس معیارهای بین‌المللی شأن، منزلت و کرامت کودک صرف نظر از نژاد، رنگ، جنس، وضعیت تولد، دین، مذهب، وضعیت اجتماعی و غیره باید مورد احترام واقع شود. بنابراین در اولین

۳۸. وفق ماده واحده قانون اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی (۱۳۸۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام) عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن سیزده سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به پانزده سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح و این در حالی است که ماده ۶۴۶ قانون مجازات اسلامی ضمانت اجرای کیفری در خصوص ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی را پیش‌بینی نموده و تأکید می‌نماید که چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده بر خلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و تبصره ذیل آن ازدواج کند به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد.

39. dignity

40. Guidelines on Justice in Matters Involving Child Victims and Witnesses of Crime, UN, Article 8 a.

گام، حقوق کیفری ماهوی باید زمینه‌های توجه به کرامت کودک را فراهم سازد. در حقوق ایران، اصل کرامت انسانی در خصوص کودکان محترم شمرده شده، مگر در موارد استثنا مانند کودکان نامشروع که منتسب به والدین نمی‌باشند^{۴۱} و یا عدم قبول شهادت کودک که به‌ویژه در جرم علیه خود کودک از موارد بسیار مهم است. وقتی جرمی علیه کودک به وقوع می‌پیوندد و غیر او فرد دیگری شاهد آن جرم نیست، عدم قبول شهادت کودک، ممکن است به براءت مرتکب بینجامد و در نتیجه حقوق کودک نقض شود.

۳. عدم تبعیض^{۴۲}: بر اساس این اصل، نباید هیچ‌گونه تبعیضی بین کودکان قائل شد. به این جهت نژاد، قومیت، رنگ پوست، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی، خاستگاه‌های ملی، قومی یا اجتماعی، دارایی، معلولیت، نسب یا سایر ویژگی‌های کودک یا والدین یا سرپرستان قانونی او باید محترم شمرده شود و این حق کودکان باید رعایت گردد.^{۴۳} با هر کودکی - صرف نظر از ویژگی‌هایی که گفته شد - باید به طور عادلانه و برابر رفتار شود.^{۴۴}

تأکید بر عدم تبعیض بین کودکان، از آنجائشنت می‌گیرد که در برخی جوامع به لحاظ وجود بعضی از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فوق، کودکان از حقوق واقعی برخوردار نبوده یا از حقوق خود محروم می‌شوند. کودکان بزه‌دیده نیز از این اصل مستثنی نیستند، بنابراین، بین کودکان بزه‌دیده نیز نباید تفاوتی قائل شد و همه کودکان با ویژگی‌هایی که بر شمرده شد، به صورت یکسان از این حق بهره‌مند خواهند بود.

رعایت اصل عدم تبعیض بین کودکان، سبب نمی‌شود در برخی از شرایط

۴۱. ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی: طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود.

42. non - discrimination

43. Convention on the Rights of the Child, UN, Article 2.

44. Guidelines on Justice in Matters Involving Child Victims and Witnesses of Crime, UN, Article 8b.

که بعضی از کودکان به مساعدت‌های ویژه‌ای نیازمندند، جهت رفع نیازها و مشکلاتشان مورد حمایت‌های بیشتر، قرار نگیرند.^{۲۵}

قوانین و مقررات ایران، چه در قلمرو بزهکاری و چه در حیطه بزه‌دیدگی کودکان، تفاوت‌هایی را قائل شده، که در حوزه بزه‌دیدگی، بیشتر ناظر بر جنسیت آنان می‌باشد. در جرائم مستوجب دیات، در شرایط خاص دیه دختران نصف دیه پسران^{۲۶} و در برخی از جرائم علیه کودکان، جنسیت موجب تغییر سیاست‌های کیفری است. به عنوان مثال، در صورت زناي زن محصنه با پسر نابالغ حد تازیانه اعمال می‌شود، در حالی که زناي مرد محصن با دختر نابالغ موجب حد رجم است. به این ترتیب، کودکان ذکور مورد حمایت کمتر قانون‌گذار قرار گرفته‌اند.^{۲۷}

گفتار دوم: رهنمودهای خاص

رهنمودهای خاص حقوق کیفری ماهوی در قبال کودکان بزه‌دیده، ناظر است به جرم‌انگاری حمایتی، کیفرانگاری حمایتی و سرانجام پیش‌بینی سازوکار جبران آثار ناشی از بزه‌دیدگی، که سه ضلع مثلث حمایت خاص کودکان را در حقوق کیفری ماهوی تشکیل می‌دهند. مؤلفه‌های مذکور به دنبال یکدیگر و جهت حمایت از کودک مورد توجه است. اتخاذ سیاست حمایتی در یک ضلع

45. Ibid, Article 17b.

۴۶. ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی: دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دیه کامل برسد در آن صورت دیه زن نصف دیه مرد است.

۴۷. ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی: حد زنا در موارد زیر رجم است: الف - زناي مرد محصن، یعنی مردی که دارای همسر دائمی است و با او در حالی که عاقل بوده جماع کرده و هر وقت نیز بخواهد با او جماع کند. ب - زناي زن محصنه با مرد بالغ، زن محصنه زنی است که دارای شوهر دائمی است و شوهر در حالی که زن عاقل بوده با او جماع کرده است و امکان جماع با شوهر را نیز داشته باشد. تبصره - زناي زن محصنه با نابالغ موجب حد تازیانه است.

مثلث، نمی‌تواند به اهداف خود نائل گردد. ویژگی حقوق کیفری ماهوی در قبال کودکان بزه‌دیده در این مرحله، علاوه بر اتخاذ سیاست‌های خاص جرم‌انگاری و به تبع آن کیفرانگاری حمایتی، تأکید اساسی بر ساز و کار جبران است که در این گفتار مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

الف. جرم‌انگاری^{۲۸} حمایتی

جرم‌انگاری برخی از افعال یا ترک افعال، با توجه به زمینه‌های مختلف و تحت تأثیر عرف جامعه، معاهدات بین‌المللی و سایر مولفه‌ها انجام می‌گیرد. [۱۲] هر جرم‌انگاری جدید، نوعی محدود کردن آزادی‌های فردی محسوب می‌شود و این در حالی است که وقتی منافع جامعه - به ویژه برخی از افراد آسیب‌پذیر -، غلبه داشته باشد، جامعه این محدودیت را بر می‌تابد. در خصوص کودکان نیز به جهت آسیب‌پذیری آنان از نظر جسمی و روحی و همچنین پذیرش جامعه در جهت محدودیت‌های فردی و در راستای حمایت از حقوق کودک، رفتارهای آسیب‌زا علیه آنان، جرم‌انگاری می‌شود. به این صورت، نخستین بخش از سیاست‌های حمایتی - افتراقی در حقوق کیفری ویژه کودکان متبلور می‌شود. جرم‌انگاری حمایتی از کودکان به دو صورت امکان‌پذیر است. ابتدا، جرم‌انگاشتن افعال و ترک‌افعالی که آسیب‌زا هستند و علیه کودکان ارتکاب می‌یابند و سپس جرم‌انگاری عدم گزارش جرائم علیه کودکان که جهت کشف این جرائم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۱. جرم‌انگاری رفتارهای آسیب‌زا نسبت به کودکان: جرم‌انگاری یا جرم‌تلقی کردن یک فعل یا ترک فعل، فرایندی است که به وسیله آن رفتار جدیدی به موجب قانون تعریف و مشمول قانون کیفری و در نهایت مجازات می‌شود [۷۶: ۱۳].

امروزه گستره رفتارهای آسیب‌زا نسبت به کودکان رو به افزایش بوده، به

خصوص که این رفتارها به اشکال نوین، می‌تواند اثرات زیان‌باری را بر جسم و روح کودکان به جا گذارد. در بسیاری از نظام‌های حقوقی پیشرفته و در حیطه حقوق کیفری بزرگسالان، اصل جرم‌انگاری مضیق پذیرفته شده، در حالی که در همان نظام‌ها در حوزه حقوق کیفری کودکان بزه دیده، به لحاظ آسیب‌پذیری آنان از یک سو و اصل فراگیر بودن حمایت‌های قانونی از سوی دیگر، جرم‌انگاری موسع پیش‌بینی شده است.^{۴۹}

این نوع جرم‌انگاری‌ها تحت عنوان جرم‌انگاری‌های حمایتی مورد بررسی و نوعی شیوه مقابله با اشخاصی است که علیه کودکان مرتکب جرم می‌شوند. جرم‌انگاری موسع در این زمینه تنها با توجه به آمار رفتارهای آسیب‌زانسبت به کودکان، نوع رفتارها، ویژگی‌های مرتکبان آن و همچنین زیرساخت‌های بومی و فرهنگی قابل اعمال است.

مطابق قانون مجازات اسلامی و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، برخی از رفتارهای آسیب‌زا جهت حمایت از کودکان جرم تلقی شده و قابل مجازات است.^{۵۰} [۹:۶۷]. صدمه و آزار و اذیت و شکنجه روحی و جسمی، نادیده گرفتن عمدی سلامت، بهداشت روانی و جسمی، ممانعت از تحصیل از اقداماتی است که اگر علیه کودک ارتکاب یابد وصف مجرمانه دارد.^{۵۱} مطابق این قانون سایر عناوین مجرمانه عبارت‌اند از خرید و فروش، بهره‌کشی و به کارگیری

۴۹. در مورد جرم‌انگاری موسع و مضیق رک: [۶ و ۱۲].

۵۰. سیاست جنائی تقنینی ایران در خصوص جرم‌انگاری‌های حمایتی برای کودکان گاهی دچار تشتت شده است. به عنوان مثال وفق ماده ۱۸ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۶۷ معتاد کردن دانش آموز توسط معلم به عنوان یک جرم خاص دارای مجازات شدید بود که در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۶ از این رفتار جرم‌زدایی شد.

۵۱. ماده ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان سال ۱۳۸۱: هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت تحصیل آنان ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد.

کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق^{۵۲}. لازم به ذکر است که قانون‌گذار در سال ۱۳۸۱ با تصویب این قانون واژه کودک آزاری^{۵۳} را وارد ادبیات قانونی کرد، ضمن اینکه خرید و فروش^{۵۴} و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی کودک - به عنوان رفتارهایی که به طور مستقیم موجب آسیب به کودک می‌شوند، پیش‌تر، سابقه تقنینی نداشته است^{۵۵}.

۲. جرم‌انگاری عدم گزارش جرائم علیه کودکان: جرم‌انگاشتن عدم گزارش جرم نسبت به کودک توسط اشخاص حقیقی و حقوقی، نوعی دیگر از جرم‌انگاری حمایتی در حوزه حقوق کیفری کودکان محسوب می‌شود. عدم گزارش دهمی جرم در بسیاری از نظام‌های پیشرفته حقوقی در زمره جرائم علیه عدالت قضائی بوده و محدود آن، تنها شامل جرائم علیه کودکان نیست^{۵۶}. از این رو، اگر اشخاص اعم از حقیقی و یا حقوقی شاهد جرم علیه کودک بوده و یا اطلاعاتی در این زمینه در اختیار دارند و گزارشی از آن به مراجع صالح رسمی و یا غیر رسمی ارائه نکنند، خود به عنوان مجرم تلقی و مجازات برای آنان اعمال خواهد شد.

قانون‌گذار با جرم‌انگاری رفتارهای آسیب‌زا نسبت به کودکان از یک سو و

۵۲. ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان سال ۱۳۸۱: هرگونه خرید و فروش، بهره‌کشی و به‌کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق، ممنوع و مرتکب حسب مورد علاوه بر جبران خسارت وارده به شش ماه تا یک‌سال زندان و یا به جزای نقدی از ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد.

۵۳. ماده ۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان سال ۱۳۸۱: کودک آزاری از جرائم عمومی بوده و احتیاج به شکایت شاکی خصوصی ندارد.

۵۴. با تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان در سال ۱۳۸۳ خرید و فروش انسان به عنوان وصف مجرمانه قابل مجازات بوده و اگر بزه‌دیده کودک باشد موجب اشد مجازات است.

۵۵. ر.ک.: [۱۰۹ تا ۱۳۱: ۷ و ۵۹-۹۳: ۶].

۵۶. ر.ک.: کوشا (جعفری)، جرائم علیه عدالت قضائی، نشر میزان، سال ۱۳۸۱.

جرم انگاشتن عدم گزارش جرم علیه کودک، از سوی دیگر، گستره جرم‌انگاری حمایتی در حوزه کودکان را توسعه داده و از این طریق ساز و کار مؤثری را برای آشکار ساختن جرائم علیه کودکان پیش‌بینی کرده است.

از آنجا که جرائم علیه کودکان، به ویژه سوء استفاده از کودک یا بی‌توجهی نسبت به وی (کودک‌آزاری)، توسط والدین، سرپرستان قانونی و اشخاصی صورت می‌گیرد که به نوعی مراقبت و نگهداری از کودک را به عهده دارند، ماهیت پنهانی داشته و از این رو که کودکان به جهت ضعف قوای دماغی و جسمانی، از مقابله با این جرائم و همچنین نسبت به آشکار کردن این سوء رفتارها و بی‌توجهی‌ها به جهات مختلف ناتوان هستند، جرم‌انگاری عدم گزارش جرم علیه کودک، یکی از مؤثرترین شیوه‌های آشکار کردن رفتارهای آسیب‌زاست. جهت ثبت گزارش جرم علیه کودک و به جریان انداختن موضوع، باید مراکزی پیش‌بینی و به عموم معرفی شوند.

در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، عدم گزارش موارد جرم علیه کودک، جرم‌انگاری شده که پیش‌تر، سابقه تقنینی نداشته است. وفق این قانون، همه اشخاص حقیقی و حقوقی که به نوعی مسئولیت نگهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند، به محض مشاهده موارد کودک‌آزاری مکلف هستند که مراتب را جهت پی‌گرد قانونی مرتکب، به مقامات صلاحیت‌دار قضائی اعلام کنند. در غیر این صورت کیفر حبس و جزای نقدی در انتظار آنان خواهد بود^{۵۷}. اگر اشخاص مذکور، از جرمی مطلع شوند و از ارائه گزارش آن خودداری کنند به عنوان مجرم قابل تعقیب کیفری نیستند، زیرا گزارش دادن فقط در صورت

۵۷. ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱: کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نوعی مسئولیت نگهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند مکلف‌اند به محض مشاهده موارد کودک‌آزاری مراتب را جهت پی‌گرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضائی اعلام نمایند. تخلف از این تکلیف موجب حبس تا شش ماه و جزای نقدی تا پنج میلیون ریال خواهد بود.

مشاهده کودک آزاری، تکلیف شده است.

همچنین در قانون مذکور، اعلام جرم علیه کودک باید به مقام صالح قضائی صورت گیرد، در حالی که برای مداخله سریع در مواقعی که کودک در معرض آسیب شدید قرار می‌گیرد، مراکز بیشتری می‌توانند در این فرایند مشارکت کنند. در سال‌های اخیر نیروی انتظامی، سازمان بهزیستی و برخی نهادهای غیردولتی با راه‌اندازی خط تلفن و یا به صورت حضوری بسترهای لازم برای اعلام این جرم را فراهم کرده‌اند.

ب. کیفرانگاری^{۵۸} حمایتی

سیاست کیفری به عنوان یک تدبیر پیش‌گیرانه همچنان ابزار مهمی جهت مقابله با جرم است^{۵۹}. پس از تعریف رفتارهای نقض‌کننده قواعد اجتماعی - به منظور آشناسدن تابعان حقوق کیفری با آزادی‌های فردی خود و تعیین حدود و ثغور آن توسط قانون -، بلافاصله ضمانت اجرای آن که از جنس کیفری است تعیین می‌گردد و به این ترتیب، قانون جزا حاکمیت و اقتدار خود را به منصفه ظهور می‌رساند. در طول تاریخ حقوق کیفری، انواع کیفرها با توجه به اهداف آن به صورت متنوع اعمال شده ولی همچنان پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری شدیدی یکی از سازوکارهای مؤثر در مواجهه با برخی جرائم، به ویژه جرائم علیه کودکان است. تعیین کیفر شدید که یکی از مؤلفه‌های مهم کیفرانگاری حمایتی است، در جرائمی که جنبه سودجویانه دارد باید با کیفرهای مالی جمع‌گردد تا مرتکبان را از ارتکاب جرم منصرف سازد. همچنین این کیفرها گاهی باید به صورت دنباله‌دار اعمال شوند تا مانعی برای ورود آسیب مجدد به کودک محسوب گردد. به این ترتیب، بخش دوم از سیاست‌های

58. penalization

۵۹. ر.ک: [۱۲].

حمایتی - افتراقی، در حقوق کیفری کودکان شکل می‌گیرد.

۱. تشدید کیفر مرتکبان جرائم علیه کودکان: پس از جرم انگاشتن رفتارهای آسیب‌زا نسبت به کودک که در تکوین بزه‌دیدگی او اثر مستقیم دارد، اعمال ضمانت اجرای کیفری شدید - چه از نظر نوع و چه از نظر میزان - در چهارچوب سیاست کیفری، برای مرتکبان جرائم علیه کودکان به عنوان یکی از مؤثرترین اقدام‌ها به شمار می‌آید.

سیاست جنائی افتراقی، همان‌گونه که گستره انواع رفتارهایی را که به نوعی موجب آسیب به کودک می‌شود افزایش می‌دهد، به همین ترتیب، تحمیل کیفرهای شدید علیه مرتکبان آن را، امری ضروری تلقی می‌کند. بنابراین، جهت مقابله با این گونه جرائم، تعیین کیفر از نوع شدید آن، در راستای بازدارندگی عام - قبل از وقوع جرم - و بازدارندگی خاص - پس از وقوع جرم - که موجب انصراف مرتکب از ارتکاب جرم می‌گردد، لازم است [۸:۷۸ و ۸۱]. در این مرحله سیاست جنائی افتراقی با توجه به آسیب‌پذیری کودکان نسبت به محافظت خود در مقابل و مواجهه با این جرائم اتخاذ می‌گردد.

درج ضمانت اجرای کیفری جهت عدم گزارش جرم علیه کودک که توسط قانون‌گذار جرم‌انگاری شده است، جهت شناسایی کودکان بزه‌دیده یا آزاردیده و همچنین حمایت همه‌جانبه از آنها از دیگر سیاست‌های پیش‌گیرانه در بعد کیفری می‌باشد. کیفرانگاری حمایتی از نوع شدید، اصولاً وقتی که جرم مهم علیه کودک به وقوع می‌پیوندد و موجب آسیب جسمی و روحی شدید و پایدار در کودک می‌شود، قابل اعمال است.

این نوع کیفرانگاری در قوانین ایران نیز پیش‌بینی شده است. سیاست کیفری قانون‌گذار ایران در صورت ارتکاب جرمی علیه کودک، از نوع تشدید مجازات است. در خصوص جرائم پزشکی، دارویی و مواد خوراکی و آشامیدنی،

همچنین در مورد جرائم اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت می‌کنند و نیز در ارتباط با قاچاق انسان، اگر بزه‌دیده کودک باشد، مرتکب متحمل مجازات شدیدتری می‌گردد تا وقتی که بزه‌دیده فرد بزرگسال است.^{۶۰} اما این سیاست همیشه اعمال نمی‌شود و قانون‌گذار به لحاظ تأثیرپذیری چندگانه از منابع فقهی، عرفی و بین‌المللی همواره در کیفرانگاری حمایتی دچار نوعی تشتت گردیده است. به این جهت در برخی جرائم، مانند قتل یا برخی جرائم جنسی، کودک بودن یا بزرگسال بودن بزه‌دیده، تأثیری در میزان و نوع مجازات ندارد. در حالی که در برخی از جرائم، مانند جرائم جنسی علیه کودک به لحاظ گستردگی آسیب وارده بر وی، باید سیاست‌های تشدید مجازات برای مرتکب اعمال شود. در حقوق ایران حتی گاهی سیاست‌های تخفیفی در اعمال کیفر برای مرتکبان جرم علیه کودک به کار رفته است، مانند تقلیل مجازات حد رجم در زناي زن محصنه با پسر نابالغ به حد تازیانه^{۶۱} و یا تقلیل مجازات قصاص به پرداخت دیه و تعزیر در صورتی که پدر و جد پدری فرزند خود را به قتل برسانند.^{۶۲} همچنین، از آنجا که تنبیه کودک در حد متعارف توسط والدین و سرپرستان قانونی در قوانین ایران جرم محسوب نمی‌شود^{۶۳} و عرف تنبیه در ایران با توجه به وسعت جغرافیایی و تنوع نژاد و قومیت بسیار متفاوت است، ممکن است اعمال مجازات برای مرتکب، منتفی باشد، در حالی که امکان دارد کودک متحمل آسیب‌های جسمی و روحی شدید گردد. مطابق معیارهای

۶۰. ر.ک: بند ز ماده ۱۸ قانون مربوط به مقررات پزشکی و دارویی و مواد خوراکی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴.

ماده قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت می‌کنند مصوب سال ۱۳۷۴ و

تبصره ۱ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان.

۶۱. تبصره ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی.

۶۲. ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی.

۶۳. ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی.

بین‌المللی از آنجا که والدین مسئول تربیت کودک هستند، در صورتی که موجب ورود آسیب شدید به وی گردند، با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر جرم، متحمل مجازات شدید می‌شوند. البته قانون‌گذار ایران، در برخی از جرائم مانند سوء استفاده مالی از غیر رشید، توسط والدین یا سرپرستان قانونی و یا وصی، کیفرانگاری حمایتی شدید را به واسطه نوع رابطه مرتکب با کودک بزه‌دیده به کار می‌گیرد.^{۶۴}

۲. اعمال کیفرهای مالی: اعمال کیفر مالی در کنار مجازات اصلی و شدید برای مرتکبان جرم علیه کودک، می‌تواند از سیاست‌های کیفری حمایتی محسوب شود. پیش‌بینی کیفر مالی به‌ویژه در خصوص آن دسته از جرائم علیه کودکان که سودآور است – مانند بهره‌کشی اقتصادی و یا جنسی از کودکان – نقش بسیاری در انصراف مرتکبان از ارتکاب جرم خواهد داشت. امروزه جرائم علیه کودکان به شکل سازمان یافته ارتکاب می‌یابد و مهم‌ترین نکته به لحاظ عدم مسئولیت کیفری کودکان، از آنها به صورت ابزاری جهت رسیدن به اهداف سازمانی و سودآور استفاده می‌شود. با توجه به اینکه کودکان در این زمینه آسیب‌پذیرند، اعمال کیفر مالی در کنار کیفر اصلی و شدید می‌تواند نوعی بازدارندگی برای مرتکبان این جرائم را به وجود آورد. هر چند که معیارهای بین‌المللی بیش از اعمال کیفرهای مالی – که به تبع آن بزه کار مکلف به پرداخت آن به دولت است – بر پیش‌بینی سازوکار جبران، تأکید می‌نمایند.^{۶۵}

در قوانین ایران پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای کیفری از نوع مالی آن به‌گونه‌ای نیست که موجب انصراف مرتکبان این گونه جرائم گردد. برای مثال کیفر نقدی تعیین شده در قانون، برای جرم خرید و فروش کودک که بیشتر در قبال اخذ پول

۶۴. ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی.

65. Guidelines on Justice in Matters Involving Child Victims and Witness of Crime, UN, Article 38.

صورت می‌گیرد و یا بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق که برای مرتکب سودآور بوده، ده میلیون ریال است که در مقابل منفعت مالی حاصل از این گونه جرائم، به‌ویژه اگر به صورت سازمان یافته ارتکاب یابد، هیچ گونه اثر بازدارندگی را برای مرتکب به دنبال نخواهد داشت. بنا بر این، اصلاح قانون در این زمینه ضروری است.^{۶۶}

۳. اعمال کیفر دنباله دار: تشدید کیفر مرتکبان جرم علیه کودک به عنوان کیفرانگاری حمایتی، می‌تواند ساز و کار مؤثری در راستای پیش‌گیری از این گونه جرائم به حساب آید. ولی همچنان این مسئله مطرح می‌شود که آیا واکنش شدید - از نوع اعمال کیفر شدید - و همچنین اعمال کیفر مالی در کنار آن می‌تواند جهت مهار بزه‌دیدگی کودکان - چه در مرحله تکوین و چه در مرحله تکرار -، در حوزه پیش‌گیری کیفری کارآمدترین شیوه باشد. طبیعت جرائم علیه کودکان در بسیاری از موارد کاملاً با ارتکاب جرم علیه بزرگسالان متفاوت است، از این رو باید سازوکارهای ویژه‌ای برای حمایت از کودکان، در نظر گرفته شود. حمایت کیفری دنباله دار که در قالب سیاست‌های کیفرانگاری حمایتی اعمال می‌گردد، از جمله این سازوکارها محسوب می‌شود.

حمایت کیفری دنباله‌دار ناظر است به گونه‌ای از حمایت که در کنار پیش‌بینی ضمانت اجراهای کیفری، ضمانت اجراهای دیگری از نوع غیرکیفری مانند ضمانت اجراهای مدنی، انضباطی، اداری و نظایر آن را پیش‌بینی می‌کند [۵: ۸۰].

بر این اساس، در برخی از جرائم علیه کودکان، به ویژه در پدیده کودک آزاری، اعمال کیفر دنباله‌دار در کنار واکنش کیفری شدید، مؤثرترین راه

۶۶. ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان سال ۱۳۸۱.

پیش‌گیری از این پدیده است. والدینی که کودک را مورد سوء رفتارهای جسمی، جنسی، روانی و عاطفی شدید قرار داده‌اند و در پی آن کودک دچار آسیب‌های شدید گردیده است، در شرایط خاص علاوه بر اینکه باید مجازات شدیدی را به جهت ارتکاب این جرائم متحمل شوند، به تشخیص دادگاه و با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر جرم، استمرار و تکرار این رفتارها و عمق آسیب‌های وارده، از حق نگهداری کودک خود و زندگی با او به صورت موقت و یا دائم محروم می‌شوند. بنابراین سلب حق حضانت، یک ضمانت اجرای مدنی است که در کنار ضمانت اجرای کیفری برای والدینی که مرتکب جرم مهم علیه کودک خود شده‌اند، قابل اعمال است.^{۶۷}

برخی دیگر از ضمانت‌اجراهای غیر کیفری در کنار ضمانت اجرای کیفری، مانند توبیخ، تعلیق، انفصال موقت یا دائم از خدمت که برای معلم و یا پرستار کودک قابل اعمال است و نیز بستن موقت و یا دائم مراکز آموزشی، تربیتی و مراکز نگهداری کودک و ابطال پروانه در صورت ارتکاب جرم علیه کودک، از انواع دیگر کیفرهای دنباله‌دار محسوب می‌شوند.

در حقوق کیفری ایران، اعمال برخی از کیفرهای دنباله‌دار برای مهار جرائم علیه کودکان پیش‌بینی شده است. به عنوان مثال سوء استفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی و فحشا، تکدی‌گری و قاچاق و همچنین تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف از مواردی است که موجب

۶۷. ماده ۹ کنوانسیون حقوق کودک در این زمینه مقرر می‌دارد: دولت‌های عضو تضمین خواهند کرد که کودک از والدین خود برخلاف میل آنان جدا نشوند، مگر در مواردی که مقامات واجد صلاحیت مطابق قوانین و مقررات قابل اعمال و پس از بررسی‌های قضائی حکم دهند که این جدایی برای تأمین عالی‌ترین منافع کودک ضروری است. چنین حکمی ممکن است در مواردی خاص، از قبیل سوء استفاده از کودک یا بی‌توجهی به او توسط والدین، یا زمانی که والدین جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند و باید در مورد محل اقامت کودک تصمیم‌گیری شود، ضروری باشد.

سلب حق حضانت از والدین می شود.^{۶۸}

ج. پیش‌بینی ساز و کار جبران^{۶۹} آثار ناشی از بزه دیدگی

اتخاذ سیاست‌های حمایتی در قالب جرم‌انگاری و کیفرانگاری – در حوزه حقوق کیفری ویژه کودکان بزه‌دیده – از سازوکارهای مؤثر جهت مهار جرم علیه آنان به شمار می‌رود و اغلب به گونه‌ای است که در وهله نخست، مرتکبان جرم علیه کودک را متأثر می‌سازد و از این طریق در گام بعدی وضعیت کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین، این اقدام‌ها ناظر است به بازدارندگی عام – قبل از ارتکاب جرم – و بازدارندگی خاص – پس از ارتکاب جرم که نقش مؤثری در پیش‌گیری نخستین از جرم علیه کودک و تکرار آن دارد.

پیش‌بینی ساز و کار جبران آثار بزه‌دیدگی – در کنار جرم‌انگاری و کیفرانگاری – به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های حقوق کیفری در راستای حمایت از کودک و جهت جبران آسیب‌های وارده بر وی به شمار می‌رود. به این ترتیب، سومین و مهم‌ترین بخش از سیاست‌های حمایتی - افتراقی در حقوق کیفری ماهوی شکل می‌گیرد. برخلاف مؤلفه‌های حمایتی پیشین، آثار سازوکار جبران – به طور مستقیم – بر کودک بزه‌دیده تبلور می‌یابد، بنا بر این هرچه گستره ساز و کار جبران، فراگیر و متنوع باشد، از گسترش آسیب وارده در اثر ارتکاب جرم علیه کودک جلوگیری و تا حدی

۶۸. ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی: هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر و مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ کند. موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است: ۱. اعتیاد زیان‌آور به الکل، مواد مخدر و قمار؛ ۲. اشتها به فساد اخلاق و فحشا؛ ۳. ابتلاء به بیماری‌های روانی یا تشخیص پزشکی قانونی؛ ۴. تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف و ۵. سوء رفتار با طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل غیر اخلاقی مانند فساد و فحشا، تکدی‌گری و قاچاق.

69. reparation

این آسیب‌ها جبران خواهد شد.

جبران آثار بزه‌دیدگی، شامل جبران خسارت، پرداخت غرامت، اعاده وضع به سابق، اعاده حیثیت یا توان بخشی و تاوان است [۵:۱۹۹].

سازوکار جبران به دو گونه رسمی و غیر رسمی محقق می‌شود. انواع جبران رسمی عبارت است از جبران خسارت - مادی و معنوی - و نیز پرداخت غرامت دولتی، عمومی و فردی - و انواع جبران غیر رسمی یا جبران ترمیمی شامل میانجی‌گری، سازش، داوری و صلح و آشتی است که از طریق نشست‌های بزه‌کار - بزه‌دیده، نشست‌های گروهی خانوادگی، حلقه‌ها یا محفل‌ها، و هیئت‌های شهروندی اعمال می‌شود [۵:۷۰، ۷۱].

رهنمودهای راجع به عدالت برای کودکان بزه‌دیده و شاهد جرم، به دولت‌های عضو توصیه می‌کند که زمینه‌های سازوکار جبران آثار بزه‌دیدگی را از طریق رسمی، غیر رسمی و یا به صورت ترکیبی فراهم سازند. در این راستا، سند مذکور تأکید می‌کند که این سازوکار باید به طور کامل، آثار بزه‌دیدگی - شامل آثار مادی و معنوی - را در برگیرد و در جهت اعاده حیثیت کودک بزه‌دیده و اعاده به وضع سابق، اعمال شود. آثار بزه‌دیدگی از طریق صدور قرار پرداخت خسارت^{۷۰} توسط بزه‌کار^{۷۱}، برنامه‌های پرداخت غرامت از سوی دولت^{۷۲} و صدور

۷۰. اعلامیه اصول بنیادی برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت بر این نکته تأکید می‌کند که جبران خسارت باید به عنوان یک ضمانت اجرا در کنار ضمانت اجرای کیفری اعمال گردد.

Declaration of Basic Principles of Justice Paragraph 9.

۷۱. اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت تأکید می‌کند که بزه‌کاران یا اشخاص ثالثی که مسئول رفتارشان هستند، در صورت اقتضا و به طور منصفانه باید نسبت به جبران خسارت از بزه‌دیدگان، خانواده و بستگان آنها اقدام کنند. جبران خسارت به این نحو باید شامل استرداد مال یا پرداخت پول به آسیب‌دیده یا زیان‌دیده، پرداخت هزینه‌های حاصل شده در نتیجه بزه‌دیدگی، خدمات‌رسانی و ترمیم حقوق بزه‌دیده باشد. Ibid, Paragraph 8.

۷۲. اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت تأکید می‌کند که هرگاه

قرار مبنی بر پرداخت خسارت در رسیدگی های مدنی، قابل جبران است. هزینه های مربوط به توان بخشی اجتماعی و تحصیلی، درمان پزشکی، مراقبت های بهداشتی روانی و خدمات حقوقی نیز باید مشمول سازوکار جبران شوند.^{۷۳}

صرف نظر از فرایند سازوکار جبران، توجه به فراگیر شدن گستره آن از مباحثی است که در حقوق کیفری ماهوی مطرح می گردد. به این منظور در این بخش گستره آثار ناشی از بزه دیدگی مورد بررسی قرار می گیرد.

۱. جبران آثار مادی ناشی از بزه دیدگی: آثار مادی ناشی از بزه دیدگی یا خسارت مادی، شامل هر گونه آسیب مادی، بدنی، روانی است، بنابراین لفظ مادی فراتر از پول و دارایی بوده و به هر آنچه دارای وجود بیرونی و جدا از ذهن است اطلاق می شود. خسارت مادی به دلیل عینی بودن قابل محاسبه و در بحث جبران خسارت، مبنای اساسی قرار می گیرد [۹۱، ۸۶: ۵]. در اثر ارتکاب جرم علیه کودک اگر خسارت های مادی یا عینی وارد شود، باید از طریق پرداخت پول یا هزینه هایی که کودک بزه دیده در پی وقوع جرم متحمل شده و همچنین پرداخت غرامت توسط دولت یا استرداد مال، جبران شود.

جبران خسارت مادی در حقوق ایران از طریق پرداخت دیه^{۷۴} و همچنین در

→ دریافت کامل غرامت از سوی بزهکار و یا از سایر منابع ممکن نباشد، دولت ها باید جهت پرداخت غرامت مالی به اشخاص زیر تلاش نمایند الف- بزه دیدگانی که در نتیجه جرائم شدید متحمل آسیب بدنی جدی شده اند یا به سلامت جسمی و روحی آنها آسیب رسیده است، ب- خانواده و به ویژه بستگان افرادی که در نتیجه این بزه دیدگی قوت نموده یا دچار ناتوانی جسمی یا روانی شده اند... Ibid, Paragraph 12.

73. Guidelines on Justice, Article 36, 37.

۷۴. وفق ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی، دیه یکی از پنج قسم مجازات های می باشد و مطابق ماده ۱۵ همین قانون دیه مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است. بنابراین، در حقوق ایران دیه که نوعی جبران خسارت است به عنوان مجازات و در دسته بندی آن قرار دارد و به نظر برخی حقوق دانان دیه که ماهیت جبران خسارت دارد نباید به عنوان مجازات محسوب شود.

چهارچوب جبران خسارت مادی امکان پذیر است. اگرچه در خصوص پرداخت دیه، در غالب موارد، مقدار دیه بین بزرگسال و کودک تفاوتی ندارد اما در برخی آسیب‌های وارده به فرد، اگر بزه‌دیده کودک باشد جهت حمایت از او، دیه همراه با ارزش تعیین می‌گردد.^{۷۵} از طرف دیگر، در صورتی که مقدار دیه به بیش از ثلث دیه کامل برسد، دیه دختر نصف دیه پسر محاسبه می‌شود^{۷۶} و این در حالی است که میزان آسیب وارده برابر بوده، ولی دختران کمتر از پسران از سازوکار جبران خسارت در چهارچوب پرداخت دیه بهره‌مند می‌گردند. در قانون مجازات اسلامی، جبران خسارت مادی در خصوص سوءاستفاده از افراد غیر رشید، تصریح شده است.^{۷۷} همچنین مطابق همین قانون، مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است اگر موجود باشد عیناً و اگر موجود نباشد، مثل یا قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده خسارات وارده نیز برآید.^{۷۸}

۲. جبران آثار معنوی ناشی از بزه‌دیدگی: ارتکاب جرم علیه کودک، گذشته از ایراد خسارت‌های مادی، موجب آزرده‌گی خاطر او نیز می‌شود. این آزرده‌گی خاطر که از آسیب به عواطف و احساسات کودک یا حیثیت او نشئت می‌گیرد با توجه به نوع جرم، شدت آن، اوضاع و احوال حاکم بر جرم، ارتباط مرتکب با کودک و سایر

۷۵. ماده ۴۵۳ قانون مجازات اسلامی: هرگاه کودکی که زبان باز نکرده در اثر کسر شدن نتواند سخن بگوید جانی علاوه بر دیه شنوایی به پرداخت ارزش محکوم می‌شود.

۷۶. ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی.

۷۷. ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی: هر کس با استفاده از ضعف شخصی یا هوی و هوس او یا حوایج شخصی افراد غیر رشید به ضرر او نوشته یا سندی... که موجب التزام وی یا برائت ذمه‌گیرنده سند یا هر شخص دیگری می‌شود به هر نحو تحصیل نماید علاوه بر جبران خسارت مالی به حبس از شش ماه تا دو سال و از یک میلیون تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود و اگر مرتکب ولایت یا وصایت یا قیمومیت بر آن شخص داشته باشد مجازات وی علاوه بر جبران خسارت مالی از سه تا هفت سال حبس خواهد بود.

۷۸. به عنوان مثال ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی.

مؤلفه‌ها، بازتاب‌های گوناگونی دارد که تحت عنوان درد و رنج عاطفی و حیثیتی یا همان آسیب معنوی مطرح می‌گردد که از آسیب روانی جدا است. آسیب روانی نوعی نارسایی یا اختلال و به عبارت دیگر گونه‌ای از بیماری است که در روان فرد پدید می‌آید و معیار عینی دارد، در حالی که آسیب عاطفی و حیثیتی یا همان آسیب معنوی، مفهوم روان‌شناختی داشته و به معنای تأثیر پذیری یا واکنش روانی است که در برخورد با امور بیرونی در ذهن پدید می‌آید و به شکل‌هایی مانند ترس، کینه، خشم و درد نمایان می‌شود. مرز میان آسیب‌های روانی و درد و رنج عاطفی و حیثیتی بسیار دقیق و نزدیک است. گسترش آسیب عاطفی ممکن است به یک آسیب یا بیماری روانی منتهی شود که در این صورت اقدام‌های درمانی ضروری است. گاهی آسیب عاطفی که نوعی تأثیر پذیری و واکنش روانی تلقی می‌گردد، بلافاصله پس از وقوع جرم نمایان شده و به روشنی قابل اثبات می‌باشد. هر چند این واکنش‌ها ممکن است در آینده - برای مثال، هنگام پی‌گیری‌های قضائی بعدی - تکرار شوند. زیرا رسیدگی‌های قضائی معمولاً یادآور رویداد جرم بوده و احتمال دارد که به یک آشفتگی بینجامد و با گسترش این وضعیت، آسیب عاطفی به آسیب روانی تبدیل شود. جبران خسارت معنوی و یا همان آسیب عاطفی و حیثیتی، به دلیل ذهنی بودن قابل محاسبه نبوده و در به ویژه در بحث حمایت از کودکان بزه‌دیده از طریق جبران خسارت عاطفی و حیثیتی، اصولاً به عنوان قطعه گم شده جبران خسارت بررسی می‌گردد [۸۴، ۸۲: ۵].

در حقوق ایران وفق قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، فقط ضرر و زیان‌های مادی و منافع ممکن‌الحصول قابل مطالبه است^{۷۹} و به این ترتیب خسارت معنوی از زمره خسارت‌های قابل جبران محسوب

۷۹. ماده ۹ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری سال ۱۳۷۸: ضرر و زیان قابل مطالبه به شرح ذیل می‌باشد: ۱- ضرر و زیانهای مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است. ۲-

نمی‌شود. باید توجه کرد که جرم علیه کودک در شرایط خاص می‌تواند موجب ضررهای شدید معنوی گردد که وفق قوانین موجود، این خسارت‌ها قابل جبران نبوده، از این جهت می‌تواند مانعی برای احقاق حقوق کودک به شمار آید. در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (۱۳۸۱) نیز جبران خسارت مادی و معنوی پیش‌بینی نشده و بنا بر این جهت جبران خسارت‌های وارده ناشی از جرم علیه کودک، باید به عموماً مراجعہ کرد. همان‌طور که بررسی شد مقررات عمومی نیز در این زمینه دارای خلأهای فراوان بوده که بازنگری قوانین به ویژه در زمینه قوانین ویژه کودکان را، ضروری می‌نماید.

نتیجه‌گیری

کودکان و نوجوانان به عنوان منابع ارزشمند انسانی، باید همواره مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرند. سلامت جامعه از یک سو مرهون توجه به نیازهای ویژه کودکان به خصوص کودکان در معرض خطر و از سوی دیگر، مرتبط با ارائه خدمات و ارتقای سطح زندگی آنهاست. سیاست‌گذاری‌های نادرست، عدم توجه به نیازهای خاص کودکان، عدم اجرای صحیح برنامه‌های مربوط به ارتقای سطح زندگی و علل بسیار دیگر، موجب شده است که کودکان همچنان در سطح وسیعی بزه‌دیده جرم واقع گردند و به این شکل تحقق عدالت برای آنان خدشه‌دار شود.

منافعی که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم، مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر می‌شود، لازم به ذکر است که در قانون آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۰ ضرر معنوی از جمله ضررهای قابل مطالبه به شمار می‌رفت، هر چند که طبق نظریه شورای نگهبان خسارت معنوی قابل تقویم به پول نبود، باید توجه کرد که اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی، جبران ضرر معنوی ناشی از تقصیر و اشتباه قاضی را از طریق اعاده حیثیت قابل جبران می‌دانند. ولی به هر حال وفق قانون دادرسی اخیر خسارت معنوی قابل مطالبه نیست.

در صورت بزه دیده شدن کودک، این بار جامعه با ظرفیت های چندین برابر فقط قادر خواهد بود، بخشی از پیامدهای زیان بار این پدیده را جبران کرده و به جهت عدم توجه به نیازهای ویژه کودک، قبل از بزه دیده واقع شدن و یا به دلیل عدم سیاست گذاری های صحیح، آثار باقیمانده آن را باید به دوش بکشد.

بنابراین، اولین گام در راستای کاهش بزه دیدگی کودکان، مداخله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. اما این امر به آن معنی نیست که مداخلات کیفری نقش کمتری را ایفا کند. مطالعات در نظام های پیشرفته حقوقی نشان داده که در بسیاری از جرائم، مداخله کیفری جهت مقابله و مهار جرم مؤثر نبوده، ولی جرم علیه کودک و یا کودک آزاری از جرائمی محسوب می شود که این مداخله را برمی تابد و یکی از مؤثرترین راه های مقابله با این پدیده به شمار می آید.

مداخله کیفری جهت فراهم ساختن زمینه های دسترسی به عدالت، ابتدا از طریق حقوق کیفری ماهوی متبلور می گردد. بنابراین، به منظور حمایت از کودکان بزه دیده باید معیارها و اصولی را در نظر گرفت. قانون گذار کیفری هر چقدر دایره سنی کودک را توسعه دهد، افراد آسیب پذیر بیشتری را مورد حمایت قرار می دهد و از سوی دیگر هر چه انواع بزه دیدگی و یا همان جرم انگاری را موسع نماید، سیاست های حمایتی خود را اعمال کرده، هر چند که تعیین کیفر شدید – به ویژه وقتی که سلامت امنیت و حیات کودک در خطر است – سازوکار بسیار مناسبی جهت پاسخ دهی به نقض حقوق کودک به شمار می رود. ضمانت اجرای کیفری از نوع شدید اگر با ضمانت اجرای مدنی، اداری یا انضباطی جمع شود جنبه حمایتی داشته و می تواند ضمانت اجرای کیفری را تغلیظ نماید.

جرم انگاری و کیفر انگاری حمایتی در صورتی که با سازوکار جبران آثار ناشی از بزه دیدگی در قبال کودکان که از مهم ترین مؤلفه های حمایتی به شمار می آید،

همراه گردد، حمایت از کودکان بزه‌دیده در حقوق کیفری ماهوی محقق می‌شود. قانون‌گذار ایران، در حوزه حقوق کیفری ماهوی در قبال کودکان بزه‌دیده، همچنان دچار تشتت بوده است. گاهی به حقوق کودکان با توجه به عالی‌ترین منافع آنان توجه کرده و به این طریق آنان را مورد حمایت قرار داده و گاهی دامنه حمایت خود را محدود کرده است. این ناهمگونی، غالباً به جهت تأثیر پذیری چندگانه قانون‌گذار ما از فقه، عرف و موازین بین‌المللی است، که گاهی استناد به برخی از این منابع در تدوین قانون، مانع اجرای جنبه‌های حمایتی سایر منابع می‌گردد. از این رو به دلیل همسان‌سازی قوانین، مطابق با اصول اساسی، اخلاقی و اسلامی، قوه قضائیه در صدد تدوین قانون حمایت از کودکان در معرض خطر و بزه‌دیده برآمده که می‌تواند گامی مؤثر جهت رفع خلأهای موجود در راستای حمایت از کودکان بزه‌دیده، به شمار آید.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فهرست منابع:

۱. آقاییگلوبی (عباس) و همکاران، کودک آزاری، انتشارات آوند دانش، چاپ اول، سال ۱۳۸۰.
۲. بیگی (جمال)، بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۴.
۳. پورناجی (بنفشه)، مرگ خاموش، نگاهی به پدیده کودک آزاری، انتشارات همشهری، چاپ اول، سال ۱۳۷۸.
۴. جعفری لنگرودی (محمد جعفر)، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ پنجم، سال ۱۳۷۰.
۵. رایجیان اصلی (مهرداد)، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، نشر دادگستر، چاپ اول، سال ۱۳۸۴.
۶. زینالی (حمزه)، نوآوری‌های قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و چالش‌های فراروی آن، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی گروه پژوهش رفاه اجتماعی، شماره ۱۷، سال دوم، سال ۱۳۸۲.

۷. زینالی (حمزه). قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و تقابل دیدگاه‌های آن، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی گروه پژوهش رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۹، سال ۱۳۸۲.
۸. عباچی (مریم)، پیش‌گیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی کودکان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۶، سال ۱۳۸۳.
۹. عباچی (مریم)، حمایت از کودکان در قبال مصرف مواد مخدر و قاچاق، همایش بین‌المللی علمی-کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، مجموعه مقالات برگزیده، جلد سوم، انتشارات روزنامه رسمی، سال ۱۳۷۹.
۱۰. عبادی (شیرین)، حقوق کودک تطبیقی، انتشارات کانون، چاپ اول، سال ۱۳۷۶.
۱۱. مدنی (سعید)، کودک آزاری در ایران، انتشارات اکنون، چاپ اول، سال ۱۳۸۳.
۱۲. نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، مباحثی در علوم جنائی، جزوه درسی، تقریرات، سال ۱۳۸۵.
۱۳. نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، هاشم بیکی (حمید)، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۷۷.
14. John F.B Myers, **Legal Issue in Child Abuse and Neglect Practice**, Second Edition, Sage Publications, 1998.
15. Gail S.Goodman and Bette L.Bottoms, **Child Victims Child Witnesses, Understanding and Improving Testimony**, Gilford Press, 1993.
16. WWW.bullyonline.org//related/abuse.htm. (Definition - Emotional Child Abuse.htm.)
17. WWW.medterms.com/script/main/art.asp? articlekey= 8358.htm (Child Neglect Definition - Medical Dictionary of Popular Medical Terms.htm.)